

## درباره بیماری "نوروز" چه می دانید؟

## نوروزهای کودکی

### مقدمه

نوروتیک در فارسی به روان رنجور (اختلال خفیف و طبیعی) و سایکوتیک به روانپریش (اختلال شدید) ترجمه شده اند. برجسته ترین تفاوت اختلال سایکوز و نوروز بر درجه آگاهی شخص از حالت خود مبتنی است.

نوروز عبارت از یک اختلال روانی است که عملکردهای اصلی شخصیت را در بر نمی گیرد و فرد می داند که رفتار یا افکارش بهنجار نیست همچنین اشاره به بیماریهایی دارد که فرد از وجود آن، خودش رنج می برد اما برای جامعه بی خطر است.

در عرف معمول پزشکی واژه نوروز به گروهی از اختلالات اطلاق می شود که در آنها علائم جسمانی و روانی اختلال اصلی را تشکیل می دهند و بیماری اساساً در اثر تعارضات درونی یا حوادث اضطراب آور زندگی ایجاد می شوند. در نوروتیکها واقعیت سنجی از دست نرفته و قطع ارتباط با واقعیت انطور که در سایکوتیکها شایع می باشد، وجود ندارد و از بیماری خود آگاهی دارند در واقع بیمار قادر است واقعیات دنیای خارج را ارزیابی کند اگر چه ممکن است علائم برای بیمار ناتوان کننده باشد اما رفتار او نسبت به نرمهای اجتماعی اختلال جدی ندارد و با کاهش و افزایش مشکلات روزمره و فشارهای خانوادگی و اجتماعی کاهش یا افزایش می یابد.

نمونه اختلالات نوروتیک عبارتند از وسواس، اضطراب، ترسهای مرضی (فوبیا) و نظایر آن مثلاً خود را ناراحت احساس می کنند، نقش اجتماعی خود را از یاد می برند، در مقابل دیگران حالت پرخاشگری دارند (آنها را مسخره می کنند و...) یا بر عکس پرخاشگری آنها متوجه خود آنهاست (تلاش برای خودکشی)، خوابهایشان اختلال دارد (ببخواهی یا خوابهای زیاد) و بسیار خسته به نظر می رسند.

نوروز جزء اختلالهای رفتاری کنشی به حساب می آید. یعنی برای آن علت زیستی شناخته شده ای وجود ندارد و هیچ ضایعه ای در مغز یا سلسله اعصاب دیده نمی شود. مثلاً کسی که به نوروز قلبی گرفتار است پس از مراجعات مکرر به پزشک، این جمله را می شنود: قلب شما کاملاً سالم است، ناراحتی شما عصبی است.

البته در اینجا ما با نوروزهای جسمی کاری نداریم، بلکه به تشریح تعدادی از نوروزهایی می پردازیم که کاملاً جنبه روانی دارند و اصطلاحاً "سایکونوروز" نامیده می شود. با وجود این، برای راحتی کار، آنها را همچنان نوروز می نامیم. می گویند نوروزها هزاران نشانه دارد، بعضی از آنها بسیار خفیف و بعضی دیگر بسیار شدید است، با این همه نشانه های نوروز جنبه های مشترک دارند.

## جنبه های مشترک نوروزها

زندگی انسان نوروتیک را نیروهای مرموز و تاریک، نیروهایی که فرد هیچ کنترلی بر آنها ندارد، اداره می کنند. این نیروها در عقده ها، احساسهای کم بینی، وسواسها و اضطرابها ریشه دارد. بنا به گفته فروید انسان نوروتیک به اسب سواری شبیه است که خیال می کند هدایت اسب را بر عهده دارد، غافل از اینکه عنان خود او نیز در اختیار اسب بوده و به هر طرف که می خواهد او را با خود می برد.

شخص نوروتیک به طور ناخودآگاه سعی می کند رنجهای خود را با راه حل های سازشکارانه حل کند، زیرا این راه حلها نمی گذارند تا او پرتگاهی را که در آن است، ببیند. او با مشکلات مبارزه نمی کند.

انسان نوروتیک همیشه قربانی تعارضهای درونی خود است. برای روشن شدن مطلب، می توانیم به دست آورده های مکتب روانکاو اشاره کنیم که بین نیروهای غریزی (نهاد) و نیروهای اخلاقی (من برتر) تعارضهایی وجود داشته باشد، اختلالهای رفتاری به وجود خواهد آمد.

فرد نوروتیک در اضطراب دائمی به سر می برد، اضطرابی که گاهی مبهم و گاهی بسیار وحشتناک است. شخص نوروتیک، اغلب در موقعیتهای قبلی خود تثبیت شده است و توانایی رها شدن از آنها را ندارد. مثلاً زن نوروتیک در برابر شوهر خود، همان عکس العملهایی را نشان می دهد که در برابر پدر خود نشان می داد و کل زندگی یک مرد نوروتیک را عقده های دوران کودکی تحت الشعاع قرار می دهد.

فرد نوروتیک نمی تواند با واقعیت و با اجتماع خود سازگار شود، او با این که ممکن است با هوش باشد، اما به شیوه انعطاف ناپذیری عمل می کند (فرارها، ترسها، حمله ها...)

بررسی علل عدم تعادل های دوران کودکی از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا همین عدم تعادلهاست که نوروزهای شدید دوران بزرگسالی را پایه ریزی می کند. هر اندازه عدم تعادل های کودکی زودتر آشکار شود، تشخیص و مداوای آنها در بسیاری از موارد آسان تر خواهد بود. عدم تعارضهای کودکی هم نشانه های روانی و هم نشانه جسمی دارند:

از نظر روانی، کودک مبتلا به نوروز به جای اینکه تحرک و بی ثباتی سن خود را نشان دهد؛ بسیار خشک و انعطاف ناپذیر رفتار می کند، او لجباز و پرتوقع است، به صورت پرخاشگر نافرمانی می کند و به شیوه غیرطبیعی با محیط خود به مخالفت بر می خیزد. قهر می کند و دروغ می گوید کودک نوروتیک تنبل، بیش از حد کمرو و کاملاً هیجانی است.

### \*نشانه های جسمی نوروزهای کودکی\*

نشانه های جسمی نوروزهای کودکی، به صورت شب ادراری، لکنت زبان، تیک و تجلی می کند. نوروزهای کودکی، در محیط خانواده بهتر از محیطهای دیگر شناخته می شود. کودکان نوروتیکی، در ارتباط با دیگران، مناسب ترین جنبه رفتار خود را نشان می دهند و نامناسب ترین جنبه شان را برای خانواده نگه می دارند. آیا خانواده علت آن است؟ آیا کودک زمینه قبلی دارد؟

برای پدر و مادر بسیار دشوار خواهد بود که بتوانند در جهت بهبود او قدم موثری بردارند. عدم تعادل پدر و مادر نیز می تواند دلیل نوروتیک بودن کودک باشد و این مورد زیاد اتفاق می افتد. گاهی هم عدم آشنایی مربیان با اصول تعلیم و تربیت می تواند موجبات عدم تعادل روانی کودک را فراهم آورد.

### \*درمان نوروزهای کودکی\*

ریشه نوروزهای کودکی معمولاً عمق زیادی ندارند. بنابراین اگر خود والدین توانایی درمان اینگونه نوروزها را نداشته باشند، چند نشست با روان شناس کافی خواهد بود تا این ریشه ها کاملاً قطع شود. آزمونهای زیادی تهیه شده که می توان از آنها استفاده کرد. همچنین می توان از خیمه شب بازی و نقاشی نیز برای درمان نوروز کودکی استفاده کرد.

به کمک آنها کودک تمایلات ناآگاه یا سرکوب شده خود را فرافکنی می کند. در نقاشی های کودکان، نشانه هایی وجود دارد که از طریق آنها می توان به عمق احساس های کودکان پی برد، مطالعه بیشتر کودک، توصیه به والدین برای انجام دادن بعضی کارها، مشورت های طولانی با والدین، اولیای مدرسه و... قدمهای بعدی روان شناس می باشد.

### \*نوروزهای بزرگسالی\*

در بزرگسالان نیز نوروزها معمولاً ماهیت عاطفی دارند. حالت یک بزرگسال نوروتیک مثل این است که قسمتی از شخصیت او می گوید بلی و قسمتی دیگر می گوید خیر. صفات مشترک نوروزهای بزرگسالی عبارتند از نیازهای عاطفی، ناراضی جنسی، تمایلات جنسی متضاد با اعتقادات خود و... اضطراب رایج ترین و آشکارترین نشانه نوروزهاست.

اضطراب یعنی واکنش در مقابل خطری که وجود خارجی ندارد. این اضطراب در برخی موارد بسیار شدید و غیر قابل تحمل، اما در اکثر مواقع مبهم و ناخودآگاه است. برای فرد مضطرب یک خطر درونی و ذهنی می تواند به اندازه یک خطر بیرونی و عینی واقعیت پیدا کند. نوروزها اختلالات جسمی هم بوجود می آورند. از جمله اختلالات دستگاه گوارش (زخم معده و اثنی عشر)، دستگاه غدد (ترشح بیش از حد تیروئید، مرض قند) دستگاه تناسلی (ناتوانی جنسی و شب ادراری) قلب و عروق، دستگاه تنفس، پوست (اکزما و کهیر). نوروزها می توانند ضعف عصبی بوجود آورند یا ضعفهای عصبی خفیف را تشدید کنند. در افراد نوروتیک مبارزه درونی هرگز قطع نمی شود، مخصوصاً اگر این مبارزه در ناخودآگاه ذهن انجام پذیرد. ریشه بسیاری از نوروزها را باید در دوران کودکی جستجو کرد. این ریشه ها طوری استحمام یافته اند که تمام زندگی فرد را هدایت می کنند.

### \*علتهای نوروزهای بزرگسالی\*

زمینه آمادگیهای جسمی از قبیل نقص توارثی، سیفلیس، کم خونی، الکلیسم، علت های کاملاً جسمی، مثل مسمومیت، عفونت، ضعف، اختلال غددی، اختلال کبدی و...

تعارض های درونی که ۹۰ درصد آنها ریشه در تعلیم و تربیت دارند و به صورت احساس گناه و وسواسهای رنج آور و تردیدهای توأم با نگرانی بروز می کند.

اختلال های دوران کودکی که بیمار در سازگاریهای مربوط به بزرگسالی عاجز می ماند، از نظر عاطفی در دوران کودکی تثبیت می شود.



**انسان نوروتیک به اسب سواری شبیه است که خیال می کند هدایت اسب را بر عهده دارد، غافل از اینکه عنان خود او نیز در اختیار اسب بوده و به هر طرف که می خواهد او را با خود می برد**